پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (چهل و چهارم) دو شنبه ۳۰ جدی ۱۳۴۷ ـ ۳۰ جنوری ۱۹۶۹

د افغانستان د خلك دموكراتيك قوت په ټينګ ايمان او بشپړې زړورتيا علام كوي چه د افغانستان ټولنيزې رښتينې ملي، دموكراتيك، ترقي غوښتنې د اوهيوادپالو ټولنكي قواوو كولاى شي چه:

برته له شخصي، رهبري، سازماني او ايديو لوژيكي غرور اوښلنه برواړئ نه ؛
به آزاد اومستقل ملي درېڅ، برته له دنيا په دوي، دهغې يادغې داخلي ياخارجي ارتجاعي قوي په نادا ي اودسترا و برته له ملي ضد خوانيولو نه؛
دملي، ولسي اووطني چرګوپه دود؛
دملي عالیه مصالحوپه اساس، اودواحد، آزاد اومستقل هيوادګرانو افغانستان د خلګو دپراخو پرګنودګيو په بنا؛
دلوړو مترقي ملي اخلاقو پـه چوکاټ کې؛
د ملي خپلواکي، دموکراسي، ترقي، آزادي، اواجتماعي عدالت په خاطر ؛
دګډيو وجوهو دپيدا کولو اوپه هغو باندې دپښګار له لارې ؛
دپو فوري ، اغـل حـد او ګـډپروګرام دطرح کولو او ګډې عدالته مبارزې په وسيلې ؛
اوپه پای کې دارتجاع، استبداد، زاړه اونوې استعمار اوامپريالزم په ضد، دعمل په بوالي سره به خپل مينځ کې دافتراق اونفاق بحران پای ته ورسوي، بوالي اواتحاد تامين کړي .

عمر قيض- كلكسيون پرچم اهدا براى آن هايى كه پرچم مبارزه را به زمين نگذاشته اند

يک قدم ديگر در راه صلح و پيتنام

کوچک خصوصي و ناتوانه بشکل تبليغاتي آن و حساسيت در برابر پروژه‌های بزرگ توليدي که شما آرزو عامل تورم پولي ميباشد ، نمي باشد؟

ـ « به تناسب پول عمـومـيه کوچکترين قسمت عايد ملي صرف (ص ۳)

جولیهای بی‌معنی آنها و نمایندگان محسوب میکردد . حکومت سیکون جهت از مواجه شدن با خلق قهرمان امریکا برشیکل و ترتیب نشستن بر سعی فراوانی بعمل آورد تا ازانعقاد وپیتنام که خواهان صلح ، استقلال میز ، مذاکره و غیره سر از روز کنفرانس وسیع جلوگیری نماید . آزادی‌وطن خویش اند ، سخت شنبه ۲۸ جدی بدور یک میز معدور علت این عمله کار شکنی ها و بهانه‌ تراشی‌ها از طرف نمایندگان حکومت میشوند ، تمام مردم صلحدوست آغاز گردید . آغاز مذاکرات وسیع جونیها ازطرف نمایندگان حکومت جهان انتظار دارند که آغاز مذاکرات صلح پاریس درنقیجه موضع گیری سیکون اینست که این حکومت مانند صلح پاریس بحیث یک قدم مهم و مثبت جبهه آزادی ملی وپیتام‌شمالی چندین حکومت سلف خویش توسط راه اعاده صلح در ویتنام به نتایج وفشار افکار عامه جهانیان پیروزی قوای اجنبی بوجود آمده و بزرودرسی مفیدی منتج گردد . برگ سیاسی برای جبهه آزادی ـ نیزه نیروی بیکانه حفظ می کردد . قرار آخرین خبر نخستین جلسه این ملی ویتنام جنوبی و خلق سراسر عیکجا‌نه اعتماد واتکای ملی ندارد . کنفرانس بزور مو عود(شنبه۲۸جدی) ویتنام و شکست دیگری برای رژیم اژعواقب اعمال ضد ملـی خـویش دایر ودرآن ترا خدای مدا کرات سیکون و حامیان امپریالیستی آن شدیدا نگران است و از همین موافقت بعمل آمد.

مبارزه عليه احتكار غله

در چه جهتی باید سیر کند

۱۰ م خیبر

چندی قبل یک عده از دهاتیان نالح هم برای ادامه زندگی ملاکنیار زحمتکش کشور به ادارهٔ جریده‌برخ خود تهیه کنیم ، ماشین‌مردم‌تجدید؟ آمده بودند. آنان‌درد دل‌رفت‌انگیزی کشور برسیدیم : آیا در قریه های بازرگان از شیادیه که مافیل فیو واز شرایط گی پای‌بری از نه‌زغیدونکی بحث‌لانه‌ی بولی ، از عموی‌دهخیلی زوند داشتهای مناسباتو به بازرگی دیر تحلیلوله گردیدی .

به دی مقاله گی دافغانستان‌دزیار از زیار ایپسیونکو طبقاتو بر وی تولی دی .

زمور به هیواد گی دښمنو وضعه دامنی ده چه‌باید برله بیس موسی سفرونه اجراء گری اوله خپل‌پاچوی او گوزاری بسیو له گری .

د محدود کسان زار راز امتیازات او دیږو او دیږو گرانانو به مرسته

دجدی د (۱۹) نیټې به سپهار لاس دجدی د (۲۵) نیټه بریالی پای ته وسرمیدل .

پرچم: د گندهار دمحکو دسروی دشا گردانو مظاهره

دزده گونکو قانونی مقاومت‌اومبارزه چه مؤفقیت ته ورسیده دزړه‌گومی استقبالوی او ددوی ترمنځ د ټرادی اوزینی بیلتون درانیدا گیدی او ګډ هر راز ناکام کوشش او دسایس محکومو‌ی

د (جدی له ۱۲) خخه راهیسی د گندهار دمحکو دسروی د مکتب زده گونکو ډهیر زیات اود دینیونخی دمدیریت دیدی دویی اود تومړی‌و اداری له خوا دمعلمینو زامنیځ دزینی او ولایتی ټیمفس د ناوړه مفکوری دخپولو سره مخالفت به غرض به اعتصاب لاس پوری کړ ، دوی لایحوا تردی، په یوه عریضه کی چه دسروی دریاست په عنوان یی لیکلی‌وه به خلورشتو دادوکسی خپل مشکلات او غوښتنی وړاندی کړی‌وی. خودریاست‌ممتراتو دوی غوښتنوته توجه ونکړه اود یخوا به شان دزده گونکو دحقوقو ټلاف دوام پیداکړ ، نوشاگردانو

خارجی به «سیوزه-۴» داخل شدند. زهره در حرکت است، رنگ او سیبوز یک پیروزی بزرگ دیگر علمی‌شوروی در عالم فضا نوردی می باشد. تایمز لندن لاریون از میله میپوسید: شیکار بزرگ علمی انحادشوروی یکبارد یگر نمایان شد.

لو موند فرانسه می نویسد: گامهای موثر تریسوی‌ماه‌دربعاتحاد شوروی در این پاره میپوسید: «کشور های غربی برای صلح‌عادلانه سعی‌میورزنده پراو دا این نظریه دول غربی را رد کرده اختلافات اسرائیل و اعراب بدون فضا نورد شوروی و سیوز نه-۵» و «سیوزه-۶» بالتر نیمه روز ها ی شغالی‌حل میشود رد کرده است »

• • •

یک پیروزی دیگر علمی

«سیوزه-۴» و«سیوزه-۵» به‌مدارزمین

«سیوزه-۴» و«سیوزه-۵» به‌مدارزمین بر تاب کرد فوما ندان های‌کشتیهای فرماندوف فوق، ولاد میر شتالف و بوریس ولیتوف می باشند. این کشتیها برای یک سلسله تحقیقا ت وسیع علمی به فضا پرتاب شده است. سفینه «سیوزه-۴» که حا مل سه‌فضانورد میباشد ، هم باهر کز تحقیقاتی در زمین‌رهم با «سیوزه-۵» پیروزمندانه ارتباط گرفته است.

خبر دیگر حاکیست که فضانوردان «سیوزه-۴» روز پنجشنبه گذشته از فضا خارج وبعد از دوساعت شنا درفضای صنایع ، تجارت واموال ملی گردید. پیسوادی ازطریق اجرای یک انقلاب واقعا فرهنگی‌در مدت کوتاهی محو گردید واکنون کیوبا اولین کشوریست در امریکای لاتین که بیسوادی دران وجود ندارد، هر اندازه که انقلاب عمیق وتو سعه پیدا می‌کرد، مورد کینه وخشم امپریالیزم واقع می‌گردید ازایدا محاصره اقتصادی کیوبا را بیش از بیش تنگ تر مینمود تا اینکه‌در ۱۹۶۱ ایالات متحده امریکا بایداده نمودن اجیران ضد.آی.ای در منطقه خلیج خوکها بعرض ایجاداختشاش ضد انقلابی، بحران‌شدیدی در بحیره کریبین بوجود آورد.ولی هفت‌ملیون مستقیم استعمار کهن وتوین بود، طرح وبمعرض اجرا گذارده شد. سد محکمی دربرابرمتجاوز استادانه بسازند. درآنصورت مسؤولیت‌عواقب آن بدوش ما میان غربی اسرا ئیل خواهد بود .

این عمل فرانسه‌خوشبینی هایی را دربدول غربی نسبت‌به فرانسه بوجود آورده است، ولی دولت متجاوز اسرائیل شدیدا آزان ناراضی‌گردیده وتلاشهای جدیدی را برای دریافت منابع جدید تسلیحه‌براه انداخته‌است. بقول اینکه حق داشته باشد بفکر کو نکترین و سایل واسباب و یا شرایط مساعد کار بیفتند ، جا ن بکنند و کار کنند واگرلحظه ئی هم بحکم شرایط نا مساعدحیات‌اجتماعی بیزنیمی وغیره ضروریات شخصی خویش بپردازند ، دیگر هیچکو یه حقوقی ندارند. بوکونی ایتان‌ماشینته واز خصلت انسانی بی بهره (!) حتی اگر کار گری بعر ض‌تهیه

قرار دادی عقدنمایند یااز کلهام‌کشور خود، باید کیوبا مناطق وسیعی را غرض تاسیس پایگاههای تهاجمات مکروبه‌ضد‌دشمن دفاع کند. بلکه در خط جبهه ضد امپریالیزم مشعل فروزان مبارزه در راه آزادی حقیقی، دموکراسی واقعی وعدالت اجتماعی را در زیر رهبری انقلابی پیروزمند(پراویلیزم) واستعمار نوین استوار نگهدا رد. کیوبا، که نام اولیه آن (چوانا) بود وکیوبا مالی ۱۲ ملیون ونیمجمعت در ۲۸ اکتوبر ۱۴۹۲ از طرف کرستف کولومب کشف گردید. زیبائی وثروتهائی سر شار طبیعی این کشورچشمان حریص استعمار گران اروپائی را بخود جلب نمود وهمین امر باعث شد که کیوبا برای مواد هفت گانه اصلاحی پلات‌برای حدود ۴۰ سال تحت سلطه استعمار امریکا قرار گرفت.

طبق این مواد ایالات‌متحده امریکا حق دخالت حکو مت کیوبا را در بعض حقد اخلی و هواخواه خود در کیوبا مداخله کند، کیوبا نمیتوانست بدون اجازه و مشوره امریکا باکدام کشورخارجی

کارگران شریف وزحمتکش پروژه نساجی

بگرامی بیداد میکشند!

کار فرمایان فابریکه بگرامی که پروژه ایست در شرق پا یتخت ، درسنمگری و بیدادپیر کارگران وزحمت کشان‌شریف پروژه، ازضعفکاران‌خویش در سایر حوزه های کار گری کشورماشباعاله، گوی سبقت بر ده‌اند.

درین پروژه بخصوصیات بشری و کرامت انسانی کارگران کوچکترین ارجی نمی نهند ، بر ایشان ستم میرود ، بیوسته تحقیر میشوند ، مثلا : درین پروژه‌بالای کارگرانیکه بنابر قحط کار در کشور ، به شرایط غیر عدالته‌کار درآنجا تن‌دردمیدهند، به حساب(ساعت) قرار داد های سه ما هه و شش ما هه بقید دقیقه‌می‌شود ، آنهم بصورت یک جا نبه و غیر دمو کراتیک و خلاف موا زین همین قانون ناقص‌کارو کار گر د ر افغانستان . کار گران بایدبطابق این قرار داد ها بقید دقیقه‌و ثانیه بدون اینکه حق داشته باشند بفکر کو نکترین و سایل واسباب و یا شرایط مساعد کار بیفتند ، جا ن بکنند و کار کنند واگرلحظه ئی هم بحکم شرایط نا مساعدحیات‌اجتماعی بیزنیمی وغیره ضروریات شخصی خویش بپردازند ، دیگر هیچکو یه حقوقی ندارند. بوکونی !بنان‌ماشینته واز خصلت انسانی بی بهره (!) حتی اگر کار گری بعر ض‌تهیه

رويدادهای مهم جهان

درهفته گذشته

درشرق میانه

تجاوز تجربکار آمیز اسرائیل بر میدان هوایی بین‌المللی‌بیروت وتقبیح این عمل وحشیانه بسویه جها نی باعث آنشده‌که حتی فرانسه ارسال اسلحه خود را به اسرائیل منع نماید .

این عمل فرانسه‌خوشبینی هایی را دربدول غربی نسبت‌به فرانسه بوجود آورده است، ولی دولت متجاوز اسرائیل شدیدا آزان ناراضی‌گردیده وتلاشهای جدیدی را برای دریافت منابع جدید اسلحه‌براه انداخته‌است. مثلا : درین پروژه‌بالای کارگرانیکه بنابر قحط کار در کشور ، به شرایط غیر عدالته‌کار درآنجا تن‌دردمیدهند، به حساب(ساعت) قرار داد های سه ما هه و شش ما هه بقید دقیقه‌می‌شود ، آنهم بصورت یک جا نبه و غیر دمو کراتیک و خلاف موا زین همین قانون ناقص‌کارو کار گر د ر افغانستان . کار گران بایدبطابق این قرار داد ها بقید دقیقه‌و ثانیه بدون اینکه حق داشته باشند بفکر کو نکترین و سایل واسباب و یا شرایط مساعد کار بیفتند ، جا ن بکنند و کار کنند واگرلحظه ئی هم بحکم شرایط نا مساعدحیات‌اجتماعی بیزنیمی وغیره ضروریات شخصی خویش بپردازند ، دیگر هیچکو یه حقوقی ندارند. بوکونی !بنان‌ماشینته واز خصلت انسانی بی بهره (!) حتی اگر کار گری بعر ض‌تهیه

کیوبا در مدت بیش ازنیم قرن چهارباز ازطرف ایالات‌متحده امریکا اشغال گردید.

الحصارات امپرالیستی امتیازات زیادی در کیوبا بدست آوردند، جمله‌نزدیک‌زراعتی کیوبا ۲٫۵۰۰۰۰۰ هکتار معادل ۱۲ ملیون وینجمد هزار جریب بهترین زمین زراعتی بدست آنها تعلق داشت. صنایع فلز سازی وکیمیاوی ، استخراج معادن، دهها تصفیه خانه نیشکر وتنبل ، برق، شرکت های بیمه وخد مات اجتماعی اکثرا در دست‌شرکت های امپر یالیستی بود. دهقان کیوبا برای دیگران می‌کشت وکارگر کیوبا برای دیگران کارمیکرد وخود جز رنج وبدبختی حاصلی برنمی داشت. سه ملیون تن شکر کیوبا به قیمت انحصاری در آیالات متحده امریکا به فروش میرسید.

مرحله نوین جنبش آزادیبخش ملی کیوبا علی رغم استبداد خشن ارتجاع داخلی و امپر یالیزم به پیروزی نزدیک می شد. کی‌چه‌حله جوانان کیوبا برهبری فیدل‌کاسترو وهمدستانش به آیالگی متحده‌امریکا کیوبا و عسیانایی حاکمه را دراوج سلطه خود بشکست خورده، استقلال کیوبارا برسمیت شناخت.

امریکا طبق معاهده صلح پاریس که‌تنها فلیپین برآن رضایت دا د، مستعمرات عسپانیه بودند به خود ملحق ساخت بلکه وحق مداخله در امور داخلی کیوبارا نیز براساس «مواد هفت گانه اصلاحی پلات» برای خود محفوظ داشت.

طبق این مواد ایالات‌متحده امریکا حق دخالت حکو مت کیوبا را در بعض حقد اخلی و هواخواه خود در کیوبا مداخله کند، کیوبا نمیتوانست بدون اجازه و مشوره امریکا باکدام کشورخارجی

لارویه!

لارویه! ولی خبه بی اودخه لباره
عمجتی سندری بولی ؟
ولی د لاری نه اغزیونه شکایت
کوی اوله کوهیو اوګرنګیونو خخه
وبریږی ؟
ولی له سیومانی نه فریاد کوی
اولادلری نه سختیر نه ګیله لری؟
خه له هرنامحرم ته دپښو تیاکی
ښیی اوله هر مسافر نه فرسته
غواړی ؟
خه له درهرنانو جفا نشی‌زغملی
اوولی دمینی‌به‌اوږده لاره‌ګی‌بی‌صبری
کوی ؟
خبر دی‌که تالندی خوری شی ؛
خبر دی که خونړی بارانونه
راواوږیږی ؟
خبردی که سیلاوونه ، په تیارو
غرونوکی ستاملړ مشکل کاندی؛
خبر دی‌که شیطانان دلاری په
پیچوموکی سنا پښتونه دامونه او
تلګونه کیږدی ؛
دا پټول نه دمینی‌نه اوږده او
سنوماتونکی مزل کی تاته دسخیو
دګالنو او دهدف‌تعقیب‌زغم دګړی.
دابه تاواړ مو یی او پرځمونږ به
دبریدوچم دوښیی .
ته بایدبه باد اوبارانګی،پرکوهیو
اوګرنګونو باندی دتیږبدو اودانسان
پرځمونږ باندی دبریدو ترانه نشیږه
ګړی !
ته باید دزړه ایستونکی انسان
دنوی ژوند صدایه هست کاندی!
ته باید دوبری بردی وجږی اود
امید زړین مزی دبرېګالونکی انسان
دسفر پەلاړەګی وغځوی !
ای مفلسه لارویه، ای دورکولارو
کشافه ! پرمخ‌خه، پرمخ‌خه‌او د زیار
ایسونکی انسان د نجات حماسه
سیتنا

متوقف میباشند. گفته میشود که در این اعتصاب (۷۵۰۰۰) کار گر اشتراک دارند

اعتصاب کارگران نفت همچنا ن ادامه دارد .

استانبول: اعتصاب کارگران‌ترکیه درحال توسعه است. در زوجوردیکه بین کارگران وپولیس برخداد دونفر دلخراشی زخمی و معیوب ساخت .

ایست نیوه‌ئی ازتوجه(!) بحال کار گران شریف و زحمتکش و د ر کشور بلا کشیده ما و طرزبر خورد کار فرمایان‌دریکی از حوزه ها ی کار گری ، آنهم در قلب کشور ، معهذا شکفت انگیز تراینکه‌وقتی کار گران ستمدیده از اینهمه بیدادی گریها بستوه آمدند و بغرض دفاع از خود و رفع ستم و احقاق حقوق مسلم صنفی وانسانی خو یش به عکس‌العملهای قانونی (اعتصابات و تظاهرات)دست زدند ،آنگاه کار ـ فرما یان استثمار گر وبلند گو یان اجیر دستگاه حاکمه که از تجا عی برای پوشاندن‌عمال‌غیر دمو کراتیک و ستمگرانهٔ خویش و فریب اذهان عامه ،آنرا نتیجه‌تحریک(!) باصطلاح «عناصر ناسالم و...» معرفی میکنند و لی مردم به آواز بلند میگویند

«به‌به چشم سفیدی وبخ ستمگری!»

دهيواد شپا نه‌په ډيرو بدو

شرائطو کې ژوند کوی

ـ دخکو ددموکرتیکی اصلاح‌په اساس به‌دوچیانی ، ماقبل‌فیودالی‌ذاږه‌روابط دلویو ما لدا رانو لەسم خخه دزیارایستونکو شپنو دخلاصون‌اودهغو دګټو تامین دپاره په نیویورایاوو بدل شی اود ټرنرې او مالداری دوډی به مقصد دخرڅولو‌دتړپی او سمون ،دخپلواکانو او نسل‌داصلاح اوچوپانی اقانو دلری کولو د پاره ه مالداری د کوپراتیفونوددتاسیس دلاری لازم ترتیبات وښیلل‌شی.»

(دخلک دموکراتیک ملرم ـ اقتصادی برخه ـ دخلک‌خریدی لمړی او دهمه کیه)

برچم (دافغانستان دخلک‌دموکراتیک اخبار وخبرونکی) دخپل ژوند له شروع‌ه، برله بسی د هیواد دزیاد ایستونکی خلکو، کارګرانو، بزګرانو او کسب ګرو، دژوند چې ټګوالی، بحث‌لاندې بولی او د هغوی دغمخپلی ژوند داجتماعی مناسباتو په بارهګی دیر تحلیلونه ګړیدی .

په دی مقاله ګی دافغانستان‌دزیار ایستونکو او نجیبو شپنو به هکله بحث‌کوو. باید وویل شی چه یوازی د خو تنه محدودمالدارانو، فیو دالانو او ملاکانو پراخی زراعتی خمکی و اوګرنې بسیه لری .

زرګونه بسیه لری او دلوی مشکلو سیفرونو سره مخ دی دښیو ژوند او دیږو ګرانانو د مرسته وسایلو، تیر سارنه ده . هغوی جولیهای بی‌معنی آنها و نمایندګان محسوب میګردد . حکومت سیکون جهت از مواجه شدن با خلق قهرمان امریکا برشیکل و ترتیب نشستن بر سعی فراوانی بعمل آورد تا ازانعقاد ویتنام که خواهان صلح ، استقلال میز ، مذاکره و غیره سر از روز کنفرانس وسیع جلوګیری نماید . آزادی‌وطن خویش اند ، سخت شنبه ۲۸ جدی بدور یک میز معدور علت این عمله کار شکنی ها و بهانه‌ تراشی‌ها از طرف نمایندګان حکومت میشوند ، تمام مردم صلحدوست آغاز ګردید . آغاز مذاکرات وسیع جونیها ازطرف نمایندګان حکومت جهان انتظار دارند که آغاز مذاکرات صلح پاریس درنقیجه موضع ګیری سیکون اینست که این حکومت مانند صلح پاریس بحیث یک‌قدم مهم و مثبت جبهه آزادی ملی وپیتام‌شمالی چندین حکومت سلف خویش توسط راه اعاده صلح در ویتنام به نتایج وفشار افکار عامه جهانیان پیروزی قوای اجنبی بوجود آمده و بزرودرسی مفیدی منتج ګردد . برګ سیاسی برای جبهه آزادی ـ نیزه نیروی بیکانه حفظ می ګردد ، قرار آخرین خبر نخستین جلسه این ملی ویتنام جنوبی و خلق سراسر عیکجا‌نه اعتماد واتکای ملی‌ندارد ، کنفرانس بزور مو عود(شنبه۲۸جدی) ویتنام و شکست دیګری برای رژیم اژعواقب اعمال ضد ملـی خـویش دایر ودرآن ترا خدای مدا کرات سیکون و حامیان امپریالیستی آن شدیدا نگران است و از همین موافقت بعمل آمد.

يک قدم ديگر در راه صلح و پيتنام

کوچک خصوصي و ناتوانه بشکل تبليغاتي آن و حساسيت در برابر پروژه‌های بزرگ توليدي که شما آرزو عامل تورم پولي ميباشد ، نمي باشد؟

ـ « به تناسب پول عمـومـيه کوچکترين قسمت عايد ملي صرف (ص ۳)

د هيواد شپا نه‌په ډيرو بدو

شرائطو کې ژوند کوی

ـ دخکو ددموکرتیکی اصلاح‌په اساس به‌دوچیانی ، ماقبل‌فیودالی‌ذاږه‌روابط دلویو ما لدا رانو لەسم خخه دزیارایستونکو شپنو دخلاصون‌اودهغو دګټو تامین دپاره په نیویورایاوو بدل شی اود ټرنرې او مالداری دوډی به مقصد دخرڅولو‌دتړپی او سمون ،دخپلواکانو او نسل‌داصلاح اوچوپانی اقانو دلری کولو د پاره ه مالداری د کوپراتیفونوددتاسیس دلاری لازم ترتیبات وښیلل‌شی.»

(دخلک دموکراتیک ملرم ـ اقتصادی برخه ـ دخلک‌خریدی لمړی او دهمه کیه)

وزير پلان چه ميګويد ...؟!

(از بيانيه شاغلي عبدالصمد حامدوزير پلان در ايام جشن استقلال ـ شمارهٔ ۲۱ و ۲۲ سنبله ۱۳۴۷روزنامه اصلاح)

ـ ۲ ـ

« ـ قسمت اعظم وجوه مربوط به پلان دوم به پروژه های‌زیر بنا و خصوصی وایجادپروژه‌های‌به‌اصطلاح «سریع‌الثمر اقتصادی» صورت‌گرفت و در برابر پروژه های بزرگ تولید طویل‌المدت و خدمات اجتماعی حساسیت (!) نشان داده شد که نتیجه این حساسیت شاید همین گفته شاغلی وزیربلان باشد که « در اثر اتخاذ‌یک سلسله تدا بیر وقایوی میګردد ، سیاست نادرست مانی و تجارتی حکومت است ، نه عمدتا نتیجه پروژه های بزرگ تولیدی وبه وجود آمدن حداقل قدرت خریدبالای مردم . این اعتراف درستیست که ناباور یادهنی علل (در اثر اتخاذیک سلسله‌تدابیروقایوی) رګودافتصادی نخست باید شاغلی وزیر بلان توجه بفرمایند که در جریان پلان‌اول ودوم ، اثر بغیدهٔ ایشان تورم پولی حکمفرمابود ، اکنون نیز تغییر محسوسی نیافته است ، پس چرااژ آنها اتخاذ این حساسیت میشود و ناتیجه ناشی از تعقیب سیاست نادرست اقتصادی حکومت وتا حدود زیادی ، اتکای بدون واقعیت و عمل به‌نشینات کوچک خصوصی وآنهم بشکل تبلیغاتی آن و حساسیت در برابر پروژه‌های بزرگ تولیدی که شما آرزو عامل تورم پولی میدانید ، نمی باشد؟

ـ « به تناسب پول عمـومـيه کوچکترين قسمت عايد ملي صرف (ص ۳)

راز شکست ناپذيری

يا پيوندباخلق

يکی ز علل و عوامل ناکامی‌ومحو ـم استبدادی وارتجاعی دِر کشورعبارت است از عدم تماس و پیو ند نیرو های تر قیخواه وو طنبر ست باتوده های و سیع خلق.

از سالیاست که قدرت های حاکمه‌از تجاعی افغانستان با تکنیک هاوشیوه های گوناگون تلاش کرده‌اند تا از تماس عناصر و نیرو های‌مترقی‌وملی کشور باخلق جداً جلو گیر ی‌کنند. زیرا این دشمنان خلق بخو بی میدانند که اگر نیرو های مترقی‌وملی‌از توده ها جدا باشند، روابطه‌ئی‌به زحمتکشان نداشته باشند، واهکان تماس باخلق از آنسها سلب گردد‌ولوهرقدر شور و هیجان‌انقلابی‌ازخودنشان دهند، شعار های بر از خو ن و آتش، کین و انتقام، دگر گو نیو فریر آمیز بدهند بازهم به هیچ‌پیوچ می‌انجامد. به همین جهت‌است که قدرت حاکمه از تجاع افغانستان‌اولتر از همه از آن عنا صرونیروهای‌اصیل تر قیخواه و طنبر ست میتر سد و به دسیسه علیه آ نا ن‌دست میزند که بیشتر به خلق اتکاءکنند وازخلق دفاع نمایند و به خلق خدمت کنند وبه رنج های عظیم خلق‌بیندیشند و متناسب به تحلیل علمی‌شرایط اجتماعی، سیاسی افغانستان کنونی هدفها و شعار های صحیح‌مبارزه را بنفع خلق استخراج نمایندونیرو های‌خود را برای تحقق آنها متشکل سا زند وبمبار ز ه پیگیرواصولی دست بزنند.

قدرت حاکمه افغا نستان از نیروی‌خلاق و محرکه تو ده های عظیم خلق‌میترسد و تماس نیرو های تر قیخواه ووظنپرست راباتوده های و سیع‌خلق و جلو گیری از آن تمام زنجیر های اسارت را درهم خواهند شکست و بنا ها ی آزادی خواهند شناخت، آنها تما م دستگاه حاکمه فاسد و م نجع را ، تمام هوا داران امیر یا لیزم را ، تمام ما موران رشوه خوار دولت را ، تمام مستبدین و مستفیدین محلی را به گور خوا هند سپرد. به همین علت است که قدرت حاکمه از تجاع و نیروهای استعماری وامیر یا لیستی در کشور دردطول مبارزه رهائی‌بخش ملـی واجتماعی افغانستان تاکنون از عقب ماندگی توده ها سود برده و از تجاع و نیروهای صدیق‌ملی ودموکراتیک دا، پولی گردیده.که‌این حالت در اثـر اتحاد‌یک سلسله تدا بیر وقایوی در بدو مرحله از بین رفت . ولی بنابر یارهٔ علل رکودی را باخود آورد که امروز هم در مجرای آن قرار داریم.»

سوال : این تلقی نادرست که کویا ساختمان پروژهای بـزرگ بنیانی و مصارف در امور خد ماتی یگانه عامل تورم پولی بوده و باعث بلند رفتن قیمتها میگردد. دردوران طرح به اصطلاح پلان سوم تاکنون معمول گردیده است . و این نظر ناآگاهیکه معلوم است در اثر تلقینات «مشاورین» کشورهای سرمایه‌داری که بجز تشبثات خصوصی بمقیاس کوچک وایجاد صنایع سبک بر پایهٔ مصرف مواد خام زراعتی ، راه‌دیگری را بمثابه دوای درد عقب ماندگـی کشورهائی چون افغانستان تجویز نمی نما ئند ، بو جود آمده است؛ توسط بلند‌گویان‌آنها ، این‌اقتصاد‌دانان بنام (!) که معتقدند فقط از طریق ایجاد پروژه های کوچـک سریع‌الثمر، خصوصی صنعتی و زراعتی ، میتوان رشد اقتصـادی افغانستان و کشور های مشابه را تامین کرد . تبلیغ میکردند . در اثر تعقیب یک سیاست ناتنبه مساعد وآنهم فقط در ایجاد و تاسیس بعضی پروژه‌های بزرگ بمنظور ساختمان بنیانی جامعه در پلانهای اول ودوم کشور ، رشد نسبی اقتصادی تامین گردید . اما در پلان سوم بخصوص پس از تسویه آن بحث و تاخ ، بعا وبیجا تاکید بالای سرمایـه گذاریهای خصوصی ، نشـان

(ص ۲)

(ص ۲مخ)

از آثار مترقی

اصطلاحات سیاسی

پارلمان:

پارلمان مجمع نمایندگانی است که دارای صلاحیت قانون گذاری میباشد . در افغانستان آنرا شوری، درایران وترکیه مجلس،ودرامریکا و برخی از کشور های امریکای جنوبی آنرا کانگرس میگویند . در برخی از کشور ها ، پارلمان مرکب از دو مجمع است:مجلس سنا (مجلس اعیان-مجلس لاردها) مجلس شوری(عوام - نمایندگان)درافغانستان و لسی- جرگه و مشرانو جرگه .

قاعدتاً اعضاء پارلمان از طرف مردم برای تشکیل قوه مقننه انتخاب میگردند . در برخی موارد عده ئی از آنها انتصاب میشوند ، مانند: ثلثی از اعضاء مشرانوجرگه درافغانستان، نیمی از اعضاء مجلس سنای ایران. گاهی هم این سمت رابوراثت میبرند، مثل مجلس لارد های انگلستان . درکشورهای سرمایه داری نوع پارلمان از لحاظ ماهیت ، میزان قدرت ورابطه آن با حکومت ،تشخیص میگردد. در کشور های جمهوری پارلمانی مثل، ترکیه و هند ویا در ممالك مشروطه شاهی مانند انگلستان ، دنمارك وغیره اصل برین است که پارلمان بر کلیه اعمال حکومت نظارت دارد . در کشور های دیگر که رئیس جمهور از اختیارات وسیع بر خوردار است مثل امریکاوفرانسه وعده ئی ازکشور-های امریکای لاتین ،پارلمان فقط از نگاه قانون گذاری نقش عمده را اجراء میکند . در هر دو صورت پارلمان با اختیارات وسیع یامحدود کم یابیش ، صوری یا عملی وتا حدودی مستقل فعالیت میکند .

حساب در کشورهای دارای نظام-های دکتاتوری مثل پاکستان، ایران وویتنام جنوبی وغیره اگر چه بظاهر پارلمانی هم داشته باشند ، جدا است . درین دسته از کشور ها پارلمان فاقد هرگونه ماهیت حقیقی است . سران رژیم، رهبران نظامی ، دکتاتوری های دست نشانده به صحنه سازی های انتخاباتی دست میزنند ، در حقیقت عده ایرا به صفت نمایندگان سنا و شوری انتخاب میکنند تا چهرهٔ نظام های استبدادی رابپوشانند .

در کلیه ممالك نیمه فئودالی و سرمایه داری به عناوین و اشکال مختلف به آراء مردم دست اندازی شده، افکارعمومی منحرف میگردد و محدودیت هائی ایجاد میشود تا پارلمان بطور کلی بیانگر افکار و عقاید آنها باشد وهرچه بیشتر عدهٔ نمایندگان اصلی زحمتکشان کمتر گردد . برای انجام این امر موانع مختلفی از محدودیت سن ، نژاد ، جنس ودارائی گرفته تاسیستم های ضد خلقی انتخاباتی ، محروم کردن نیرو های مترقی ودموکراتیک از مبارزات انتخاباتی یا وارد کردن تاثیر بر افکار عمومی ، جلو گیری از استفاده مساوی وسایل تبلیغاتی و بالاخره تعویض آراء ، مداخله در صندوق آراء وغیره ایجاد میگردد .

مبارزه پارلمانی:

مبارزه پارلمانی یکی از اشکال مبارزه طبقاتی از نوع سیاسی آن میباشد ، احزاب مترقی وکارگری ضمن بکار بردن سایر اشکال مبارزه وظیفه دارد در صورت شرایط مساعد ازین نوع مبارزه نیز استفاده کنند . مردم را بسیج نماید و سیاست های ضد ملی را از طریق مبارزات انتخاباتی افشاء و سعی نماید تاعده بیشتری از نمایندگان واقعی مردم را به پارلمان بفرستند . درپارلمان از تریبون رسمی برای بیان خواستها و پروگرام عملی استفاده به عمل آرد .

نفی مبارزه پارلمانی بهمان اندازه غلط ومضر به جنبش است که مطلق کردن آن . صورت اولی انحراف چپ ونفی استفاده از یك سلاح مبارزه است ودومی انحراف راست،منحصر ساختن مبارزه فقط به یك شکل و محروم کردن خلق کارگر از اشکال دیگر مبارزه می باشد .

احزاب مترقی وکارگری از مبارزه پارلمانی برای دفاع حقوق زحمتکشان واستقلال کشور ، برای جلو گیری از تبدیل پارلمان به یك موسسه زائیده هیأت حاکمه و برای افشاء سیاست ضد خلقی آن - استفاده میکنند . خارج کردن پارلمان از صورت یك زائیده حکومت ، تأمین شرکت آزاد در انتخابات ، معرفی کاندید - ها، انداختن آزاد آراء به صندوق ها از جنبه های عمدهٔ دفاع از دموکراسی است .

مبارزه برای آزادی انتخابات یکی از اشکال مهم مبارزه بخاطر حفظ دموکراسی است ، در شرایط کنونی جهان ، طبقه کارگر برخی از کشور های سرمایه داری امکان آن را دارند که با استفاده از دست آورد های مبارزه خود ،اکثریت مردم رابه دور خود گرد آورده ، برای احراز اکثریت قاطع در پارلمان و تبدیل آن از آلهٔ مفاسد طبقاتی بورژوازی به وسیله ئی در اختیار مردم، کوشش نمایند . و ضمن آن مبارزهٔ توده های بزرگ را خارج از پارلمانی ادامه دهند ومقاومت نیرو-های ارتجاعی را درهم شکنند . مبارزات پارلمانی در شرایط کشور های سرمایه داری یکی از اشکال مبارزات مسالمت آمیز است که از راه بسط پیگیر مبارزه طبقاتی توده-های کارگر ودهقان به جلب طبقات متوسط شهری علیه سرمایه بزرگ انحصاری ، علیه ارتجاع ودر راه اصلاحات عمیق اجتماعی ودر راه صلح و سوسیالیزم می پردازد .

در هر صورت احزاب مترقی و کارگری باید به کلیه اشکال مبارزه پارلمانی وغیر پارلمانی وغیره وتغییر یك شکل به شکل دیگر مبارزه آماده باشند .

به سلسله حقوق اقتصادی واجتماعی کار گران

آسه‌مائی

بیمه‌های اجتماعی

-۲-

پرنسیپ های اساسی بیمه های اجتماعی کار گران

- بیمه های اجتماعی باید تمام کار گران کشور را ، بدون استثنا صرف نظر از نژاد ، قوم ، جنس مذهب وعقیده شامل باشد .از طریق بیمه های اجتماعی کلیهٔ کار گران کشور می توانند کمك های لازم را در یافت دارند که برای اجرای آن منابع مالی معینی در اختیاراتحادیه های کارگری باید قرار گیرد .

قسمت اعظم مصارف بیمه‌های اجتماعی را باید دولت وموسسات و فابریکات تمویل نمایند و قسمت جزئی آن به یك فیصدی کم توسط خود کار گران تکافو گردد.مساعدت هائی که از طریق بیمه‌های‌اجتماعی برای کار گران بعمل می آید، باید تحت موازین و مقررات‌دموکراتیك معینی در موارد عمده زیرین انجام گیرد :

- عمده ترین جزء بیمه های اجتماعی کار گران را حقوق تقاعد تشکیل میدهد که‌باید به‌کار-گران و اعضاء فامیل های شان‌در صورت سالخوردگی و معیوبیت، در برابر از دست رفتن نفقه رسان فامیل و انجام خدمات طولانی تادیه گردد .

پرداخت حقوق تقاعد در موارد فوق باید بطور دوامدار به کار گرو اعضای فامیل شان صورت گیرد . البته حقوقی را که کار گران در یافت‌خواهند داشت نظر به‌مدت خدمت ، نوع کاری که انجام داده اند ، درجهٔ صدماتی که در حین انجام کار متحمل گردیده اند وغیره فرق‌می نماید ، مثلا کار گرانیکه در کز های دشواز مانند امور معادن و غیره کار های زیر زمینی اشتغال دارند و یا در شرایط مشکل کار می نمایند ، باید‌به‌سنین پائینتر بهٔ تقاعد سوق گردند‌ومدت خدمت‌ایشان کوتاه گردد ، با آنهائیکه در امور خطر ناك بکار می پردازند باید حقوق امتیازی تقاعد در یافت نمایند و یا حقوق کار گرانیکه برای یکمدت کارمی-نمایند و برای مدتی کار را ترك می دهند و بار دیگر در موسسهٔ دیگر به کار مشغول میشوند ،تلف نگردیده و مجموع مدت خدمت شان محاسبه گردد . سن تقاعد و مدت خدمت زنان در هر صورت باید کمتر از مردان باشد .

حقوق تقاعد بیری از پنجاه تا صد فیصد مزد معاش را دربر گرفته میتواند ، یعنی آ نانیکه هنگام ترك کار معاش شان کم است باید فیصدی بیشتر را حاصل نمایند تا آنهائیکه معاش بیشتر دارند .

بمنظور جلو گیری از صدمات در حین انجام کار ، باید شرایط لازم تحفظی در نظر گرفته شود ، شرایط کاربیش از پیش صحی ساخته‌شده و بهتر گردد ، ولی کار گرانیکه علی رغم تمام پیشبینی‌های تحفظی باز هم صدمه دیده و معیوب می گردند ، باید حقوق لازم را در یافت دارند .

معیوبیت کار گر اگر قسمی باشد باید کاری آسانتر با معاش لازم که بودجهٔ فامیلی اش را بر هم نزند برای وی داده‌شودو هر گا‌معیوبیت کلی باشد ، یعنی کار گر معیوب ، نتواند هیچکاری را انجام دهد ویا کار گر در اثر صدمه ،مریضی یا عوامل دیگری بمیرد ، باید حقوق تقاعد برای اعضای فامیل وی به طور دوامدار تادیه گردد .

-کار گران تمام کمکهای طبی مجانی را، از یك باندا‌ژ(بسته‌کردن زخم و شکستگی) ساده گرفته تایك عمل جراحی مغلق (بعضا برای‌چندین سال) درشفاخانه‌ها، دریافت‌دارند . به یك کارگرباید ازاولین روز های بیماری اش از پنجاه تا صد فیصد مزد وی بر طبق مدت استخدام برداخته شود ،اگر معیوبیت‌مؤقتی در اثنای کار برای کار گر رخدهد، باید او در جریان اینمدت‌صد فیصد مزد خودرا در یافت دارد ، اعضای فامیل کار گران باید بیمهٔ صحی داشته باشند .

- برای مادران‌تسهیلات‌و کمکهای لازم باید فراهم گردد . مادران حامله باید علاوه بر رخصتی های معمول ، رخصتی مخصوص یکصد روزه را قبل و بعد از حمل‌بادریافت معاش کامل بدست آرند .

- یکی از حقوق عمدهٔ کار گران حق کار است که‌باید بر طبق کمیت‌و کیفیت کار برای ایشان تضمین گردد. دولت مکلف است که بیمهٔ بیکاری را مروج ساخته ،فیصدی معینی از مزد کار گرانی را که کاز نمی یابند ، تادیه نماید و خود را مسؤول کار یابی و اشتغال مجدد کار گران بیکار بداند . البته طریق اشتغال همه بکار معلوم است و آن رشد سریع ومداوم اقتصاد می - باشد که باعث استخدام وسیع میگردد واین وظیفه حکومتها ست که چنین شرایطی را بوجود آورند.

از آنچه‌مختصرا در بارهٔ بیمه‌های اجتماعی کار گران نبشته آمد‌میتوان نتیجه گرفت که :

نه تنها بیمه های اجتماعی عمده ترین و اساسی ترین مطالبات اقتصادی و صنفی کار گران کشور ما را که اکنون فاقد آن اند ،تشکیل میدهد . معهذا کارگران افغانستان باید در پهلوی خواستهای دیگر اقتصادی و صنفی شان مبارزهٔ‌مؤثری را جهت تامین کامل بیمه های اجتماعی انجام دهند .

نیروی دموکراتیك خلق افغانستان نیز بحیث پیش آهنگ طبقهٔ کار گر کشور وظیفه و مسؤلیت خود را در زمینهٔ این خواست و دیگرخواستهای اقتصادی و اجتماعی کار گران احساس‌کرده است واز حقوق و آزادیهای سیاسی واجتماعی کار گران کشوردلیرانه و بیگیر دفاع میکند .

(دلومړی مخ پاتی)

دهیواد شپانه په...

باندی وزیته کاندی.

دبیابانونو اورده چوپیا،دبادونو عور هار، دباران شرنگی او دتالندی دهشتناك آوازونه، هغه محیط دی‌چه دتل لپاره دشپانه‌په هستی باندی احاطه لری .

ددی لپاره چه شپانه تل په‌غذایی فقر اخته دی‌اوصحی اوبه نه‌ورسیږی په راز راز ناروغیو اخته کیږی او د-سرتلفات یی ډیر زیات‌دی.ډیروشپنو بخپل ټول عمر کی دوانده لیدلی. هغوی دمرض‌په وخت‌کی‌دډیرولرغونو او ابتدایی طریقو نه استفاده کوی‌لکه داغ‌ایښودل، وینه ایستل، پوستوکی اغوستل او ...

له شپنوسره دمالدارانو (مالکان) رویه ډیرخیره اوله انصافه لری ده. ډیر خله داسی کیږی چه یو شپون خپل‌ټول‌مزددتلف‌شویو پسوپه تاوان کی ورکوی او تش لاس بیرته‌کورته ځی.

دشپنو د اجرت‌په‌باره کی، دهیواد دبیلو بیلو سیمودو دونه اورا جونه بیل دی. دافغانستان په نیمه جنوبی برخه کی دوه ډوله شپنی رواج‌لری.

۱- یو شپانه ته چه دیوه‌بشپړ کال لپاره استخدم شوی‌وی-له‌هرو شپږو نرو وریونه یو وری او له هرو لسو ښځو وریونه یوه وری ورکول کیږی اوبرسیره پر دی‌دوډیو دورگ خلر مه هم دشپانه وی .

۲- هغه شپانه چه د معین وخت لپاره نه وی استخدام شوی، هغه په هره میره(یوه نیمه افغانی په میاشت کی) اخلی او دوډگ خلر مه هم دده وی. مگر اکثر مالداران دشپنو ددی محدود اوکم مزد په مقابل کی هم حیلی او دسیسی جوړوی او په ډول پلمو د هغوی حقوق غصبوی.

شپانه پر ذکر شویومشکلاتو سر بیره، دورشو دپیدا کولو، په‌څینو سیمو کی دباران داوبودذخیره کولو او نورو سره هم مخامخ دی .

له دی ټولو ریږ‌گالو سره سره‌په پای کی هغه پسونه او وړی. اووړین محصولات چه دشپنو دزیار مولود دی، یاپه قاچاق دباندی استول‌کیږی اویاپه تجارتی ذرایعو دلندن،پاریس، برلن‌اونورو ښارو‌نوته‌ځی‌اوله‌دی بابته دافغانستان دفیوډالانو او مالدارانو جیبونه ډکوی اوشپنوته همغه‌خواری چه پاتی ده لاهم پاتی ده .

دشپنو دا اورده او دردونکی بد مرغی د هیوادد‌ناوړو شرایطو او دفیوډالی او ماقبل فیوډالی نظام نتیجه ده.

لنډه داچه د مالداری. نامساعده او ابتدایی‌وضعه نه‌یوازی داچه‌دشپنو ژوند تهدیدوی، بلکه کوچنیو او متوسطو مالدارانو ته هم مطمئن‌عاید نه ورکوی او دشپنو استثماریدل‌ورځ نر ورځی پراخوی .

شپانه دفنی وسایلو دنشتوالی‌او دمالداری دنویو طریقواو دورشوگانو دعدم مساعدت له کبله نشی کولای چه حیوانی محصولات دتولید لوړو درجوته ورسوی .

زیار ایستونکو شپنو،اوښبنو او باده وانانو سخت فقر دورستو اجتماعی او اقتصادی مناسباتو او دنوی‌استعمار دنفوذ زیږندی. نوی استعمار غواړی‌پر مختلونکی‌هیوادونه بخپلو ابتدایی مواضعو کی وساتی نو څو یوی خواله هغوی د خپلو صنعتی‌مالونو دبازار او دخامومواد‌و دگدام په حیث استفاده وکړی او له بلی خوا په هغوی‌کی د ملی اوکارگری نهضتونو مخه ونیسی .

د.رزمیار

از(ص اول)

رازشکست ناپذیر...

انکاء کند ودرتشکیل توده‌هاکمك‌کند، نمیتواند یك نیروی واقعی، یك سازمان سیاسی طراز نوین واقعی شده وبرای رهبری ملیونها افراد زحمتکش (درراٌس آن طبقه کارگر) شایستگی داشته باشد ودریك جبهه با متحدین خود نظام فرتوت طبقه حاکمه، این نظام‌ستمگر واستثمار گر را از جامعه ریشه کن سازد.

دشمنان خلق افغانستان که بالای سازمان های سیاسی مترقی حمله میکنند وبدین وسیله بعمر سیاه خود ادامه میدهند همیشه سه هدف دارند: (۱) از رشد و تکامل سازمانهای سیاسی ترقیخواهان واقعی خلق جلو گیری کنند، (۲) وحدت واتحاد آنها را ازهم بپاشند، (۳) تماس ورابطه‌ترقیخواهان وطنپرست را از توده ها قطع کنند.

تجربه نشان میدهد که سازمان-های سیاسی ترقیخواه ووطنپرست بخطر سوم دیرتر و کمتر توجه میکنند و به همین جهت ضربات هلاکتبار از این راه دیده اند. البته نباید ازنظر انداخت که به تشکیل، حفظ ، تحکیم ووحدت سازمان سیاسی طرازنوین (حزب طبقه‌کارگر) نخستین وعمده ترین وظیفه است (درباره چنین حزبی صحبت خواهیم کرد). ولی اصولا سازمانهای سیاسی، وحدت و جبهه وسیله است نه هدف .

سازمان سیاسی مترقی که کار در بین توده ها را فراموش کند، با توده ها قطع رابطه کند، درحقیقت هدف خود، زندگی خود را فراموش کرده‌است ودراین صورت مخو او دراولین ضربه ارتجاع قطعی است. متاسفانه در جریان تاریخ میتوان نمونه هائی یافت که چگونه ارتجاع از این پاشنه آشیل و نقطهٔ ضعف سازمانهای سیاسی طبقه کار گر استفاده کرده، به حمله و هجوم پرداخته و در نتیجه باعث عدم‌مؤفقیت نیروهای ترقیخواه ووطنپرست گردیده‌است.

از اینجاست که ضرورت تماس با توده ها مطرح میگردد.

برای چه‌منظوری تماس باتوده‌هایك ضرورت است

ضرورت تماس با توده ها برای دومنظور احساس میگردد: یکی‌بمنظور درك روحیات، عادات، و تشخیص خواستهای توده ها (بحث شاگرد توده‌ها) تا بتوان بر اساس آنها مشی صحیح توده ای و شعار های درستی برای مبارزه طرح کرد. دوم به‌منظوربخش، تبلیغ‌وتوضیح‌شعار-های مبارزه در هر زمان و مکان‌معین (بحث‌معلم توده‌ها) تاآنکه توده ها شعار ها را از خود بدانند ودرجریان مبارزه بصحت و حقانیت آنها اعتقاد پیدا کنند و به جنبش بگروایند .

باید خاطر نشان ساخت که‌تأمین دو منظور فوق بشیوه بیروکراتیك واز پشت میز «دفتر اداری وسیاسی» امکان پذیر نیست. برای تحقق این دو منظور باید میان توده ها رفت ، از آنها آموخت، تجارب و نظرات‌آنها راجمع بندی کرد و بشکل فشرده وشعار های روشن در آورد وسپس دوباره بمیان توده ها رفت و این نظرات و شعار ها را با تبلیغ و‌توضیح کرد تاتوده ها به تجربه و عمل‌خود آنهارا ازخود بدانند وآگاهانه‌بفعالیت روزمره مبارزه جلب شوند. این کاررا باید تکرار و تکرار کرد تادرهر مرحله این نظرات و شعار ها درست تر ، زنده‌تر ومؤثرتر وخلاق‌تر وبر مایه‌تر گردد. این قانون تئوری انقلابی‌است. این مشی توده ای است که خلق را بآزادی میرساند.

بدون توجه عمیق به چگونگی زندگی توده ها ، به‌درد های‌مردم ،به‌خواستهای خلق از قبیل غله،زمین، کار، نان،سوخت، دوا و طبیب، مکتب، لباس، مسکن، ازدواج، رفاهیت خانواده، نجات از ظلم و ستم متنفذین محلی وماموران دولت ودهها مسایل دیگر که به رفاه مادی و معنوی توده های وسیع خلق تعلق میگیرد، نمیتوان خلق‌رابه جنبش دعوت کرد و مشکلات شانرا حل‌نمود.

تئوری علمی میگوید :

انجام جنبش با اتکا به توده های مردم وبشرکت عمومی خلق صورت گرفته میتواند. کار جنبش را نمیتوان صرفا باافراد قلیلی که جدا از خلق «نعره‌بازی» میکنند به پیش برد . تجارب احزاب پیشرو و طراز نوین طبقه کار گر بما می آموزاند که‌باید سیاست و سبك کار صحیح همواره با خواستهای توده ها در هر زمان ومکان معین منطبق باشد تا رشته های پیوند ما را با توده ها تحکیم بخشد. امراض بچگانه مانند سکتاریزم، دگماتیزم، ماجراجوئی. قدرت فروشی، و تند خوئی،چپروئی وچپ نمائی و شعار های انقلابگیرانه از لحاظ مشی توده ای زیانبخش است واین بیماریها باعث جدائی ما از توده ها میشود. باید درنظرداشت «که انقلاب توده ای با«سفارش و صدور از خارج» یا با تمایل وتحکم واستخدام و تطمیع پولی چند نفر وبا فحش و دشنام و دروغ بردازی اجرا شده نمیتواند. بدون جلب اکثریت توده های استثمار شونده (زحمتکشان) و بدون افزایش قابل ملاحظه فعالیت توده های خلق‌نمیتوان انقلاب ملی واجتماعی را ببیروزی رسانید . پیرزی جنبش انقلابی در صورتی امکان پذیر است که یك سازمان طراز نوین سیاسی بتواند پیوند خود را با توده ها برقرار سازد و در جهت نیازمندیها و وآرزو های آنها عمل کند و بوسیله صحت رهبری و صحت استراتیژی و تاکتیك سیاسی (که توده های وسیع خلق با تجربه خود به صحت آنها یقین حاصل کند) شایستگی پیشآهنگی و انضباط سازمانی‌خودرا تأمین نماید .

در شرایط کشور ما دیده میشود که توده های وسیع خلق درد ها و شکایات و نیازمندیهای فراوان دارند و لی ازنظر ذهنی هنوز آنها باین نیازمندی وازعلت درد های‌خود آگاهی ندارند . در چنین صورتی مابابد با صبر و شکیبائی، کارپیگیر توصیحی را درمیان خلق به پیش ببریم تا خود توده ها تصمیم‌بگیرند نه اینکه عوض آنان ما تصمیم‌بگیریم. هر کار و فعالیت که بدون آگاهی وتمایل خلق انجام گیرد به شکست منجر میگردد.

به‌همین جهت از تمام عناصر ترقیخواه و دموکراتیك خلق افغانستان دعوت‌میگردد که‌برهشیاری خود بیفزایند و بتوده ها پیوندخودرا تأمین نمایند، خلق را از اعماق روح وقلب خود دوست بدارند، بفریاد

(صفحه ۳)

دستگیر پنجشیری :

فقر مردم و موترهای تیز رفتار

در افغانستان ، کشوریکه ابتدائی ترین نیازمندیهای حیاتی اکثریت مطلق مردم در ان بر آورده نشده است‌هر گونه وسایل تجملی و آسایش برای گروه محدودی از صاحبان امتیاز بطور روز افزون و بدون در نظر گرفتن بنیهٔ‌ناتوان مالی‌کشور ،آزادانه وارد میگردد . بخصوص در سالهای اخیر ،طبقات مرفه الحال جامعه علاوه بر وسایل گوناگون راحتی دیگر ، برای گیر آوردن موتر های تیز رفتار بحیث وسیله تشخص و آسایش تلاش میورزند. بملاحظهٔ این تلاش و عطش جنون آمیز خانواده‌های ثروتمند و مفتخوار ، تاجران ، دلالان موتر ، سیاحین غربی و خارجیان ، افغانستان را بازارسیاه موتر های تیز رفتار ساخته‌اند .

بجای آنکه وسایل کافی‌ترانسپورتی (کامیونها ، سرویسها و . . .) برای انتقال اموال و رونق تجارت داخلی و راحتی مردم تدارك دیده شود ، از یکسو زمینه برای توريد انواع موترهای رنگارنگ تیز - رفتار شخصی ورسمی ، علی رغم تنقیص بودجه از طرف ولسی جرگه در ین زمینه ، مهیا میگردد و با صرف مقادیر بیشتر پترول و تهیهٔ پرز جات، و ترمیمات آن مبالغ هنگفتی اسعار از ماحصل دست رنج مولدین وزحمتکشان تهیدست کشور بهدر می رود و از سوی دیگر باعبور ومروراینهمه عرادجات و موتردوانیهادر جاده - های تنگ و کم عرض ، بخصوص شهر کابل ، برای مردم مزاحمت هائی ایجاد میشود .

باتاسف حکومت نه تنها درین زمینه مانند بسا مواردیگر ،اقدام مثبتی بعمل نمی‌آورد بلکه تسهیلاتی را بنفع‌گروه کوچکی از آسوده حالان جامعه فراهم می سازد که مثال زیرین نشان دهندهٔ این حقیقت است :

در آغاز سال جاری هیأت وزرای افغانستان مجلس فوق العاده ایرا دایر ودر بارهٔ تحصیل مالیات و مکلفیت‌های «قانونی» اشخاص و موسسات انفرادی جرا‌ت (!) به خرج داده، تصویب کردند که«وزارت خانه های مالیه ، داخله...در مورد تحصیل مالیات تدابیر مؤثروجدی اتخاذ نماید».

بر طبق این تصمیم مجلس وزراء مدیریت ترافیك کابل سرعت‌عمل (!) نشان‌داده بعداز ۸ ماه هیاهوئی را براه انداخت که باید صاحبان موترهای تیز رفتار محصول گمرك، حق‌الانحصار ومحصول ترافیك را که‌از ابتداء نه برداخته‌اند،درظرف چندماه به‌اقساط به پردازند.دربنجا سوالی به وجود می‌آید که ادارهٔ مالی دربنمدت کجا تشریف داشتند ؟ پاسخ روشن است : دستگاه اداری افغانستن چون خدمتگزار طبقات و قشر های مرفه‌الحال ،این‌صاحبان موتر های تیز رفتار یعنی بیروکراتها، کمپرادور ها وقشر ارستوکرات کشور است ، بنابران طبعا دست به عملی نزد که‌بمنافع ایشان صدمه بزند. دلچسپ است! هم اکنون عوض آنکه در چنین‌جامعهٔ فقیر جدا" جلو افزایش بیمورد موتر های تیز رفتار گرفته شود و یاآنکه موتر سواران مورد سوال و مؤاخذه جدی قرار گیرند که چرا نه تنها مکلفیت‌خود را اداء نکرده و نمبر بلیت جعلی را که جرم بزرگی است بکار میبرند (طبق تخمینات قسمت بیشتر موتر های تیز رفتار شخصی فاقد نمبر بلیت رسمی است) تسهیلات نیز فراهم میگردد. اکنون قضاوت بفرمائید که ادارات‌مالیاتی چطور سخاوتمندانه (!) منافع خلق را بسود یکعده محدود صاحبان نفوذ زیر پا مینمایند ،در حالیکه همه دیده اند که همین ادارات‌مالیاتی چگونه با خشونت و بدون اندکترین گذشت در برابر دهقانان کم زمین، خرده مالکان و پیشه وران برخورد مینمایند، آنانرابخاطر حصول‌مالیات شان ، روز ها در دفاتر مالیاتی سر گردان میسازند .

بنا بران منحیث یکی از مسایل روز ، باید بهیچ شعبه واداره‌دولت حق داده نشود که منافع مردم را قربان آسایش معدودی‌از طفیلی-های جامعه سازند و تسهیلات غیر لازم را برای طبقات مرفه الحال جامعه مهیا گردانند .

مردم در برابر ورود بی بند وبار موتر های تیز رفتار واستفاده از موتر های دولت‌اعتراض‌میکند !

د خلکو دزړونو درد

په لغمان کی دامنیت حال بدی

پدی را وروسته وختو کی د لغمان اوسیدونکی ، په لغمان کی دبد امنی په‌وجه‌موږ ته شکایتونه لیکی . موږ دلته د ښاغلی «ر،ه» هغه‌اعتراض خپروو چه په لغمان‌کی دبد امنی له شرحی نه وروسته حکومت محکوموی اووایی د لغمان ولایت دامنیت د ساتلو په برخه‌کی خپل وظائف نه‌اجرا کوی . دی لیکی:

«له څومودی را پدیخوا د لغمان په‌مرکز او شاوخوا کی‌دغلاوو، زخمی کولو او وژلو پیښی زیاتی شویدی او ددی ځای د غریبوخلکو دژوند امنیت ئی اخلال کړیدی . څوورځی دمخه دلغمان دهمیشه بهار په سیمه کی یو ظلمی‌چه‌نوی‌کوزده‌یی کړی‌وه او غوښته یی دخپلی مینی کور ته ورشی، په لاره‌کی ددوو‌غلو له‌خوا اسخت ټپی شو. خودی‌زړر ظلمی دهغو دوو رهزنانو څخه‌یوتن وواژه - خو وروسته معلومه‌شوه چه‌ژوندی‌غله‌دخپل وژل‌شوی‌ملگری سر پریکړی اووړی‌ؤ.گواکی‌کوشش یی‌کړیوو چه دمقتول هویت پټ وساتی .

مونږ پخپله‌وینو چه‌د لغمان په اکثرو سیمو خلك وروسته‌له‌مابنامه له‌خپل کور نه نشی راوتلای او له غلو ویریږی .

دی‌وضعی بیا په تیره د لغمان بی وزله خلك ډیر پریشان کړی او دهغوی د ژوند عادی جریان یی اخلال کړیدی په خلکو کی‌داسی‌هوره شویده چه که څوك ددی غلو لاس ته‌ورشی، پیسی ځنی‌اخلی ، جامی‌یی ځینی‌کاږی او بیا یی په یوه‌ونه‌پوری تړی‌او تر څویی چه له‌وسه کیږی وهی‌یی .

دافسوس ځای‌دا دی چه‌د لغمان دولایت له‌خوا چه قانونی‌مسوولیت لری د غلو دمخنیوی له پاره جدی اقدامات نه کیږی او کله لا خلکو نه ویل کیږی چه« هر کله ووژل‌شوی، بیابه‌دی بوښتنه‌وشی». زموږ غوښتنه داده چه‌د لغمان ولایت‌دی خپل وظائف دامنیت د ساتلو لپاره اجراء کړی »

اهالی آقتاش برحکومت اعتراض میکنند

اهالی «آقتاش» خان آباد تاکنون چندین باراز پرچم تقاضا کرده‌اند که‌اعتراض ایشانرا نسبت عدم توجه حکومت به تعمیر پل بین آقتاش‌وخان آباد نشر کند .

بالاخره‌نمایندهٔ‌پرچم موضوع شکایت اهالی آقتاش رادر‌خان‌آباد مورد بررسی قرارداده ومطلب را چنین اختصار کرده است: «آقتاش تقریباً پنجهزارباشنده داردوغالب اهالی آنرا دهقانان تشکیل میدهد. این منطقه‌که‌در کنار راست در-یای تالقان موازی با منطقه‌خان آباد قرار گرفته- توسط دریای مذکوراز خان آباد جدا شده است.

باشندگان آقتاش نسبت فقدان‌پل بین خان آباد و آقتاش ، مجبورند از راه پل «چوغه» که تقریباً بیست مرتبه نسبت براه مستقیم بین خان آباد و اقتاش دراز تر است، رفت‌و آمد کنند. علاوه برین هنگام نهال شانی شالی که مصادف با طغیان‌دریای تالقان است، عده‌یی‌از دهقانان ،بخاطر کوتاه کردن‌راه ، عوض گذشتن از پل «چوغه» مستقیماً ازدریا عبورمیکنند واین امر باعث تلفات جانی برای یکعده دهقانان میگردد. تلفات‌سالانه ازین رهگذر را مردم آقتاش پانزده نفر تخمین میکنند . علاوه‌ برین فقدان پل بین آقتاش وخان آباد متضمن اتلاف وقت ، گرانی کرایه ومشکلات در روابط مردم گردیده است .

مردم آقتاش که تا کنون چندین بار بحکومت‌ومراجع‌مختلف آن‌عارض شده اند، کمکهای ممکنه را نیز بیشنهاد کرده‌اند ولی حکومت با وصف آنکه اعمار این پل را خیلی ضروری بنداشته‌و آنرا وعده داده است - در عمل باین‌امر اقدام‌نمی‌ورزد وباین امر حیاتی‌مردم توجه نمی کند. از همین سبب مردم آقتاش شدیداً بر حکومت اعتراض میکنند »

از (ص اول)

وزیر پلان چه میگوید...

سرمایه گذاریهای پلان گردیده . بعبارت دیگر سهم مالی مردم ما در تمویل پلانهای انکشافی نسبت به دول همسویهٔ ماکمتر است . »

سوال : برای آن سهم مالی‌مردم در تمویل پلانهای انکشافی نسبت به دول «همسویه» کمتر است که اولا زحمتکشان که قسمت اعظم‌مردم راتشکیل میدهد کمترین سهمی از عاید ملی دارند وحداقل نیازمندیهای ایشان تامین شده نمیتواند ، ثانیاً عدهٔ معدودی که قسمت عمدهٔ عاید را بدست میآورند ، از برکت آزادیهای بیحد وعصریکه‌درین «ملك بی‌پرسان» نصیب گردیده اند ، آنرا در امور غیرتولیدی بمصرف میرسانند و یا به اشکال گوناگونی از کشور خارج کرده ، دربانکهای خارجی ذخیره مینمایند و یادرساختمان منازل ، آپارتمانها و تجملات بیمورد و خرید زمین بهدر مصرف میکنند . سوال درینجاست : وقتیکه مسلم است قسمت عمدهٔ عواید ملی ما توسط معدودی از صاحبان امتیاز (ملاکین فئودال ، تاجران بزرگ دلال و ملاکین - بورژوا بیروکرات) به‌یغما برده میشود ، پس چرا در پی جلو-گیری ازآن برنمی آئید وطرق بکار بردن‌سهم بیشتر آنرا در امور انکشافی کشور تجویز نمی‌فرمائید؟ معلوم است که اینکار از عهدهٔ این چنین حکومتها (که برپایهٔ آن‌طبقات واقشار جامعه که عواید ملی راغارت می‌کنند استوار است) ساخته‌نیست. آیاچنین نیست؟

— «تشویش حکومت از تنزیل ارزش افغانی سبب شد که‌درسالهای ۴۴ـ۴۵ـ۴۶ استقراض از بانك مرکزی و یا کریدت های بانك محدود ساخته شود . »

سوال : تجویز خوبی نیست که بخاطر پوشانیدن نواقص ناشی از سیاست غلط اقتصادی ، ارزش پول را بصورت مصنوعی با کاستن‌مقدار وسرعت دوران آن حفظ کرد . این خود نمایندگی از تقلیل قدرت خرید وپائین آمدن سطح زندگی مردم و رکود اقتصادی مینماید . چرا برای جلوگیری از تنزیل نرخ افغانی به سیاست تجارتی درهای باز خاتمه داده نمیشود و تولیدات‌داخلی و صادرات کشور افزایش وبهبود نمی یابد ؟

— « درعین چنین جریانی‌اشتیاق زیاد به واردات که بیشتر نتیجهٔ ازدیاد یکنوع تقاضای غیر واقعی‌بود وازطرف دیگر چنین اشتیاقی تجمل پرستی را تقویه مینمود که همراه با عدم موثریت قیود گمرکی سبب ازدیاد و استحکام سطح واردات حتی درشرایطی گردید که قدرت خرید اکثریت تقلیل یافته بود . »

سوال : درچنین اوضاع و احوالی که اکثریت مطلق مردم از طرف عدهٔ معدودی از ستمگران و استثمارگران چاپیده می‌شوند ، قسمت اعظم عواید ملی باین عده تکیه مینماید و بخاطر ارضای تفاخرات این نازپرورده‌های سرباری جامعه ، مقادیر زیادومتنوع اموال تجملی بی لزوم وارد میگردد، دست سرمایه داران بزرگ کمپرادور ومحتکر در تمام امور اقتصادی‌کشور باز است ، تجار و نمایندگیهای تجارتی کشور های سرمایه داری و وابستگان آنها شب و روز بغارت و دزدی مشغولند ، سر حدات شرقی، جنوبی و غربی کشور برروی همه اموال قاچاقی باز است ، طبیعی‌است که اشتیاق به تجمل پرستی وازدیاد واردات بیشتر می‌گردد . پس‌وقتیکه ښاغلی وزیر پلان باین امر اعتراف میکند ، کدام است آن تجاویزی که برای جلوگیری از آن اتخاذ و یا پیشنهاد کرده باشد ؟

اعتراف باینکه « همراه با عدم موثریت قیود گمرکی ...» سوال جدی دیگریرا بمیان میاورد که : چرا حکومت باوصف اعتراف ښاغلی وزیر پلان که عضو حکومت است ، بازهم نمی خواهد ویا نمی تواند قیود گمرکی را در برابر اموال بی‌مورد وارداتی ، که نه‌تنها برای اقتصاد کشور ما ثمربخش نمیباشد، بلکه ازیك سو موجب نفوذ روزافزون استعمار نوین در کشور می گردد و ازسوی دیگر مانع ایجاد اقتصادملی میشود ، موثر سازد . چرا ؟ . . . چرا ؟ . . . چرا به صراحت پاسخ داده نمی شود ؟ تنها اعتراف کافی نیست ! مگر انتظار دادگاه خلق را می‌کنند ؟ آنوقت دیگر ناوقت است ! .

له بزگرانو سره ظالمانه رفتار کیږی

له لوگر نه ښاغلی (ع،ا) لیکلی دی:« دقوس‌په ۲۳ ورځ د زرغون ښارد کلی‌د یو محلی متنفذ اوزوورو سړی یوولس تنه وسله‌وال زمن او خپل وان په‌دادو خیلو کی دخپلو (۱۵۰۰۰) افغانیو پور له پاره دامین‌الله بزگر کورته ورغلل .

امین‌الله بزگر پوردارانو ته وویل چه‌زه په‌دی خپل ټول ژوندکی همدا‌یو کورلرم - هغه‌می خرخلاو ته اچولی دی‌خو څوك یی نه‌اخلی،نو که‌یی تاسی پخپل پور کی منیء تاسی ته به‌یی‌درکړم، او که یی تاسی نه غواړی‌عما‌نه‌وخت راکړی‌ چه خریدار ورته‌پیدا کړم اودتاسی پورپریکړم. لخو زورورو دا خبره‌ونه منله او په بی وزلی بزگری دوهلو پیل وکړ او هغه یی دومره وواهه چه‌زیاتی‌یی د حرکت کولو قدرت نه درلود .

پدی پیښی‌باندی دشاوخوا کلیو ټول خلك خبر شول او امین‌الله‌بزگر‌ته‌یی دعرض کولو سلا ورکړه،خوخوارکی بزگر له‌عرض نه‌منع واړاوه‌وخلکوته یی‌وویل :« حکومت د زورورو دی اود بزگرانونه دی .»

از(ص اول)

مبارزه علیه احتکار غله..

نقاطیکه غله در آن فراوان است ، به نقاطیکه ازین‌لحاظ دچارمضیقه‌اند، غله حمل گردد وقیم بطور عمومی تثبیت و تحت کنترول دقیق درآورده شود .

ولی باوصف این طرح حد اقل ، باید بکمال تأسف اعلام داشت که‌این امرمبرم و حیاتی روزمره مردم نیز، ازطرف دستگاه حاکمه و ادارهٔ‌موجود کشور امکان پذیر نیست . زیرا ، این کار و امر جمع آوری عادلانه محصولات ، حمل وتوزیع آن بمقیاس وسیع در سراسر کشور بامحاسبهٔ نیازمندی ملیونها نفوس کشور و مبارزه علیه محتکرین وملاکان‌ثروتمند وبانفوذ و حل مسألهٔ ارضی یك قدرت حاکمهٔ آهنین دموکراتیك و مترقی میخواهد .

باید خاطر نشان ساخت که در شرایط کنونی هرگونه اقدامی که در زمینه مبارزه علیه احتکار غله بوجود آید ، متنفذین و مستبدین محلی و متحدین آنان در دستگاه دولت درهر قدم عملا آنرا عقیم می سازند . ثروتمندان روستا ، سود خوران و یغماگرانیکه سالهاست تمامی دهات کشور را می چاپند ، ترجیح میدهند از راه احتکار و استثمار دهقانان بی‌زمین وکم زمین‌وتمام‌اهالی کشور، کیسه‌های خودرا پرکنند .

هرکسی که استعداد فکر کردن را دارد ، هرکسی که بخواهد اندکی دربارهٔ رنج و فقر توده های خلق بیندیشد ، برایش روشن می‌گردد که باید مبارزه برای ریشه‌کن کردن فقر وحل مشکل خواربار درجه‌جهتی سیر کند .

مسلماً در جهت انهدام پایه های فئودالی ، تحت فشار جنبش دموکراتیك همهٔ مردم . زیرا تنها اصلاحات عمیق ارضی وجنبش‌وسیع دهقانی میتواند بقایای نظام قرون وسطائی را که سد راه ترقی نیرو-های مولده استند ، از میان بردارد و مشکل خواربار و مسألهٔ قلت‌واحتکار غله را که از مشکلات روزمرهٔ توده-های وسیع خلق‌وطن‌ما افغانستانست حل کند .

از(ص ۲)

رازشکست ناپذیر...

های آنان با دقت گوش دهند، نیازمندیهای آنانرا تشخیص کنند ، در میان خلق باشند «تا درجه معینی حتی بآن» در آمیزند، با توجه بسطح آگاهی موجودتوده های وسیع خلق کشور، با درنظر گرفتن اعتقادات، روحیات، عنعنات و عادات وشرایط جامعه در بیداری و ارتقای سطح شعور و آگاهی سیاسی آنها،درتشکل آنهامجدانه کمك کنند.

این اپورتونیزم چپ یعنی‌ماجرا - جوئی و فعالیت چپروانه خواهد بوداگر وقتیکه توده ها هنوز آگاه نشده اند علیه ارتجاع دست‌به‌تعرض زده شود. این مشی ما را با شکست مواجه‌میسازد. همچنان دنباله روی از عناصر عقب مانده واپورتونیزم راست خواهد بود اگر هنگامی که توده ها مایل به تعرض وپیشروی هستند ما به پیشروی وتعرض‌دلیرانه دست نزنیم.

گفته میشود «تماس با توده ها درواقع یك تحقیق علمی‌است». زیرا از این طریق است که میتوان معلوم کرد آیا توده ها حقیقت را درك کرده‌اند و آیا حاضر به اقدام هستند یا نه. ولی سوالی مطرح بحث قرار میگیرد که به چه طریق و شکل میتوان با توده ها تماس حاصل کرد؟

راه‌ها واشکال تماس باتوده‌ها :

تماس و پیوند با توده ها دردوران قانونی‌بودن وعلنی‌بودن یك سازمان سیاسی طراز نوین بحد کمال خود میرسد . به همین جهت است که نیروهای ترقیخواه با در نظر گرفتن جدی اشکال و صورتهای دیگرمبارزه وتلفیق ماهرانه‌آنها کوشش میکنند که ازحق فعالیت‌های آشکار وعلنی بهره مند شوند. باید درنظر داشت که این دسیسه هیات حاکمه ارتجاعی است که فعالیت های غیر آشکار وحتی «غیر قانونی» را بالای نیروهای ترقیخواه و طنپرست و سازمانهای سیاسی زحمتکشان و بخصوص طبقه کارگر تحمیل میکنند. در هر صورت وظیفه عناصر مترقی ودموکراتیك خلق افغانستان است که از طریق برخورد های خصوصی بامردم (در ادارات، فابریکه ها، چاپخانه‌ها، سرویسها و غیره) در کنفرانسها، اجتماعات کوچك و بزرگ مردم ، نظاهرات، اعتصابات، مبارزات انتخاباتی و پارلمانی، جرگه های ولایتی و دهاتی، انجمن های‌شهری (شاروالی ها)،اتحادیه های کار گری و صنفی، کلوپهای ورزشی،انجمن-های فرهنگی وادبی و غیره (اعم از اینکه ازطرف خود مردم یا سازمانهای دموکراتیك ومترقی و یا از طرف‌خود هیات حاکمه ارتجاعی تشکیل‌میگردد) به‌شکلی از اشکال متناسب به‌شرایط دموکراتیك ویا غیر دموکراتیك فعالانه و هشیارانه با مردم تماس بر قرار سازند و به امر توضیح وتبلیغ، ترویج و تشریح حقایق وافشا گری نظام استبدادی‌وارتجاعی در کشور بپردازند و شجاعانه در رأس مبارزه قرار گیرند .

در (بیماری کودکی «چپ‌روی» ....) گفته میشود «... و حتماً در جائی‌کار کرد که توده هست. باید بهر گونه فداکاری تن در داد و بزرگترین موانع را بر طرف ساخت تا اینکه بتوان بطور منظم و با سر سختی ومصرانه و صبورانه درست درآن موسسات و در بین آن جمعیتها واتحادیه ها، ولو ارتجاعی ترین آنها، که‌توده‌پرولتر (کارگرمزدبگیر یانیمه پرولتر در آنجا هست به تبلیغ و ترویج پرداخت.» در جای دیگر همان اثر اظهار میگردد که «هدف انتقادو آنهم‌شدیدترین وبی‌امانترین وآشتی ناپذیر ترین انتقاد ها-باید... فعالیت پارلمانی نبوده، بلکه...بیشتر کسانی باشند که نمی خواهند ازانتخابات پارلمانی و تربیون پارلمان بشیوه انقلابی... استفاده نمایند. فقط چنین انتقادی... توده هارا تربیت خواهد کرد تا آنکه بتوانند از اوضاع سیاسی بدرستی سردر آورند ووظائفی راکه‌ازاین اوضاع ناشی میشود و غالبا‌بسیار مغلق و پیچیده است درك نمایند.»

شاید برای این مقاله کافی باشد !

در خاتمه بعنوان یك قاعده و بمثابه حیاتی ترین وظیفه میتوان اعلام داشت: مادامیکه نیروی پیشاهنگ ترقیخواه دموکراتیك خلق افغانستان با توده های‌وسیع خلق، با اکثریت قریب به‌اتفاق ملت تماس وارتباط خود را تامین کنند و«باوسیعترین توده زحمتکشان... ارتباط بر قرار سازد و نزدیك گردد و تا درجه معینی حتی بآن در آمیزد...» شکست ناپذیر خواهد بود .

در اینجاست که ما باید بتوده‌ها صادقانه کمك کنیم تا با ایمان راسخ درك کنند که ما واقعاً بیان کننده منافع آنان‌هستیم‌وزندگی‌ما‌بازندگی آنها جدائی ناپذیر است. ما بایدبه توده ها از دل و جان کمك کنیم‌تاآنها وظائف جنبش را درك کنند و بدینترتیب ازجنبش‌پشتیبانی نمایند، آنرا درسراسر وطن عزیزما‌افغانستان گسترش دهند ، به شعار ها، به ستراتیژی و تکتیك سیاسی ما جواب مثبت دهند ودر راه‌به پیروزی رساندن جنبش رهائی بخش ملی واجتماعی مبارزه کنند.

دراینجاست راز مغلوب ساختن دشمنان خلق !

در اینجاست راز شکست ناپذیری ما !

به پیش در راه پیوند و تماس باتوده های خلق!

ببرك كارمل